



# نگاهی به تاریخ کتابخانه‌های مساجد

محمدعلی سلطانی

کتابخانه‌ها بود. بررسی تاریخ پیدایش و روند تاریخی کتاب و کتابخانه در جهان اسلام مقوله‌ای خواندنی است و همّت بزرگمردان کتاب آشنا و دلسوزی را می‌طلبد تا غبار گذر زمان را از چهره آن بزایند و گذشته درخشان کتابدوستی مسلمانان را به نسل امروز مسلمان فرمایند تا غیرت دینی و اصالت فرهنگی مسلمانان بار دیگر شکوفایی گیرد. در این راستا آقای دکتر محمد مکی سباعتی گامی - هرچند کوتاه- برداشته و به تحریر تاریخ کتابخانه‌های مساجد پرداخته است. این کتاب که توسط این نویسنده عرب زبان به انگلیسی نگاشته شده، با دو ترجمه در سالهای ۷۲ و ۷۳ یکی از سوی سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، با ترجمه آقای دکتر علی شکوئی و دیگری از طرف بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، با ترجمه آقایان محمد عباسپور و محمد جواد مهدوی چاپ و نشر یافته است. این دو ترجمه از جهت فصل بندی و مطالب، اختلاف قابل توجهی دارند و با توجه به اختلاف نام اصلی کتاب در برگه شناسه‌های ضمیمه کتاب، چنین پیداست که مترجمان دو چاپ مختلف را برای ترجمه برگزیده‌اند و مؤلف محترم در طبع جدید اصلاحاتی را اعمال کرده که در چاپ قبلی نبوده است. از این روی کتاب در چاپ آستان قدس رضوی

تاریخ کتابخانه‌های مساجد. محمد مکی سباعتی. ترجمه محمد عباسپور-محمد جواد مهدوی. ویراسته حسن لاهوتی، (چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ش) ۲۷۲ص، وزیری.

از آغاز پیدایش اسلام بر اساس توصیه‌های قرآنی و تأکید پیامبر اکرم (ص) آموزش جزو بخش اجتناب ناپذیر زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان گشت و به تبع آن کتاب جایگاه بلندی در فرهنگ دینی مسلمانان یافت. پیدایش نویسندگی و به وجود آمدن کتاب و رویکرد مسلمانان به این مقوله موجب پیدایش کتابخانه‌هایی در جهان اسلام گشت و این برای مسلمانان موجب افتخار و سربلندی به حساب می‌آید. جایگاه نخستین کتابخانه همچون دیگر مقوله‌های فرهنگی مسلمانان، در مسجد بود. مسجد اولین مرکز گردآوری کتب، و قرآن نخستین کتاب این

نگاهی به تاریخ کتابخانه‌های مساجد

دارای شش فصل و در چاپ سازمان مدارك فرهنگي داراي نه فصل و يك مقدمه تفصيلي در معرفي محتوای كتاب است. كتاب در ترجمه آقایان عباسپور و مهدوی، روانتر و زیباتر و در ترجمه آقای شكوتی پرمطلب و در عین حال با عباراتی سنگینتر ارائه شده است. گویا آقای شكوتی از متنی بهره گرفته که از سوی مؤلف اصلاحاتی پذیرفته است، ولی از نقص بزرگی رنج می برد و آن ترجمه نکردن پاورقیها و منابع كتاب است. این منابع چون غالباً عربی و در دسترس است، ترجمه آن می توانست موجب بهره گیری فراوانی شود. ایراد دیگر ترجمه آقای شكوتی در ناتوانی وی در یافتن معادلهای مناسب و روان و با کمی جسارت در به دست دادن ترجمه درست و صحیح است.

اشتباهاتی که در ترجمه آقای شكوتی به وجود آمده، گاه چنان روشن و واضح است که برای نویسنده آشنا به تاریخ اسلام، افتادن در دام چنین اشتباهاتی بسیار بعید می نماید؛ برای نمونه در صفحه ۲۳ در نقل قول پیدرسن در خصوص اولین مسجد بناشده توسط مسلمانان، چنین می آورد:

«مسجد پیامبر در مدینه تنها مسجدی نیست که در زمان زندگی او ساخته شده است و بر طبق روایات اولین مسجد قبا نامیده شد. قبا دهکده ای از توابع مدینه بود، پیامبر در زمان هجرت خود با یکی از نزدیکان خود به نام «عمر بن عوف» در آنجا اقامت کرده بود...»

همین عبارت را آقایان عباسپور و مهدوی چنین ترجمه کرده اند: «مسجد پیامبر تنها مسجد و حتی بنا بر روایات اولین مسجدی نبود که در حیات پیامبر توسط مسلمانان ساخته شد بلکه گفته اند که اولین مسجد مسجد قبا بوده است پیامبر به هنگام هجرت خود در این روستا که در حومه مدینه جای دارد، نزد بنی عمر بن عوف توقف کرد...»

پیدا است که ترجمه آقای شكوتی دارای ایراد تاریخی است و اگر پیدرسن هم چنین اشتباهی می کرد، آقای مکی که در عربستان به دنیا آمده و بزرگ شده، چنین اشتباهی را مرتکب نمی شد و به فرض که هر دو چنین اشتباهی را مرتکب می شدند، بر آقای شكوتی لازم بود تذکر دهد.

نمونه دیگر این عبارت است که در مورد کلاسهای تشکیل شده در مساجد در زمان پیامبر (ص) است که در صفحه چهار از مقدمه آمده است: «... بعضی مواقع پیامبر خود گروهها را بازدید و بررسی می کردند و اگر متوجه نوعی عدم تباین و ناسازگاری می شدند فوراً اقدام به اصلاح آن می کردند...» که ظاهراً عدم تباین و ناسازگاری نیاز به اصلاح ندارد و احتمالاً مراد متن نوعی تباین و ناسازگاری بود.

از این رو در این نوشته از ترجمه آقای شكوتی صرف نظر شده و به معرفي ترجمه آقایان عباسپور و مهدوی پرداخته خواهد شد.

آقای مکی در آغاز كتاب خود اشاره ای کوتاه و گذرا به اهمیت کتابخانه های مساجد جهان اسلام می کند و ضرورت بحث در این مقوله را می نمایاند. آنگاه در فصل اول نقش مسجد را از دیدگاه عبادی، اجتماعی، سیاسی و آموزشی نشان می دهد. مؤلف در این فصل تأکید می کند که مسلمانان به مسجد تنها به عنوان محل عبادت نمی نگرند بلکه آن را مرکزی برای سامان بخشیدن به زندگی دنیوی و اخروی می دانند و آنگاه ضمن بیان ویژگیهای معماری مساجد اولیه از مکانهای جانبی مساجد نظیر: منبر، محراب، مناره، وضوخانه، کرسی، رحل، دکه، کفشداری و محل شمع، یاد می کند و نظرانی را در مورد علل پیدایش آنها می آورد.

در نقش اجتماعی مسجد از آن به عنوان محلی برای برگزاری اعیاد، عزاداری، شعرخوانی، اعتکاف، طلب شفا و کرامت، سرپناه فقرا، غریبان و مسافران، مدرسه، محل اطعام، کتابخانه و حتی محل دادوستد نام می برد و برای اثبات آن از حوادث تاریخی بهره می گیرد. در نقش سیاسی مساجد از بهره گیری پیامبر اکرم، خلفا و حاکمان اسلامی از مسجد همچون محلی برای تشکیل جلسات مشاوره، اعزام نیرو به جبهه ها، تبلیغات سیاسی و مذهبی و حتی جایی برای لعن و سب علنی مخالفان، یاد کرده و نقش مسجد را در سرنوشت مسلمانان روشن می کند. در

کرده و در گروه دوم از کتابخانه های مساجد شام، عربستان و عراق سخن گفته است. همان گونه که از این تقسیم بندی به دست می آید، مؤلف محترم بخش مهمی از جهان اسلام و کتابخانه های مساجد آن را یا به علت فقدان منابع تحقیقی یا به انگیزه عرب نبودن ساکنان آن و یا به هر دلیل دیگر از نظر دور نگاه داشته است. یادکردن از کتابخانه های مساجد و چشم پوشی از کتابخانه های مساجد ترکیه عثمانی که سالیان سال به نام خلافت اسلامی مورد توجه دانشمندان و نویسندگان بود و نیز کتابخانه های مساجد ایران که روزگاری دراز یکی از دو قطب مهم جهان اسلام بوده و هست و نیز کشورهای مسلمان تحت سیطره شوروی سابق، همچنین کشورهای نظیر افغانستان، پاکستان و خاور دور بدور از انصاف علمی است. مترجمان محترم نیز چه به دلیل بسنده کردن به ترجمه کتاب و چه به دلیل فرصت نیافتن و یا دسترسی نداشتن به منابع، تلاشی در جهت رفع این نقیصه در شکل پاورقی انجام نداده اند. به هر حال مطالعه این فصل از کتاب آقای مکی در کنار اطلاعات فراوانی که به دست می دهد تا حدودی نقش اندیشه شیعی را در گسترش کتاب و کتابخانه بیان می دارد، گرچه مؤلف در صدد این مهم نبود. اما امثله فراوانی که آورده به طور التزامی این مطلب را می رساند.

فصل پنجم، فعالیت کتابخانه را می نماید در این فصل، نویسنده، نخست از محل وقوع کتابخانه در مساجد بحث کرده و آنگاه مبحث نامگذاری کتابخانه را مطرح کرده و توضیح می دهد که غالباً به نام همان مساجد نامگذاری و در مواردی هم نام مؤسس و یا خدمتگذاری که نقش مهم در حفظ، پیشبرد و ترقی کتابخانه داشت، بر کتابخانه اطلاق می گشت. وی زیر عنوان تاریخ تأسیس و یا توسعه کتابخانه ها از انگیزه های چنین کاری یاد کرده و شیوه های توسعه از قبیل جریان استنساخ کتاب، وقف کتابخانه های شخصی، خرید و اهدا را توضیح می دهد و ضمن یادآوری حجم چشمگیر پاره ای از کتابخانه های مساجد، از تنوع موضوعات کتب سخن می گوید.

در ادامه فعالیت کتابخانه های مساجد از جریان تنظیم کتابها و آسان سازی بهره گیری از آن که توسط فهرست نگاران انجام می گرفت و نیز وجود اطاقهای

نقش آموزشی بهره گیری پیامبر (ص) از مسجد را به مثابه مرکزی برای آموزش و پی گیری این سنت حسنه از طرف جانشینان وی یادآور شده و پیدایش حلقه ها و زاویه ها را در سالهای بعد، از آثار آموزشی مساجد می داند. وی یادآور می شود که در مساجد تنها موضوعات دینی تدریس نمی شد، بلکه علوم محض نیز در مساجد طرح و مورد کنکاش قرار می گرفت.

در فصل دوم مؤلف به پیدایش کتاب در جامعه اسلامی می پردازد و تأکید می کند که پیامبر اکرم (ص) خود نویسنده پرکاری بود که بین دو بیست تا سیصد سند به املائی وی از او باقی مانده است. وی نخست از ابزاری که مسلمانان در آغاز جهت تهیه کتاب بهره می گرفتند، یاد می کند و سپس از آشنایی مسلمانان با کاغذ و سیر تاریخی جغرافیایی این ابزار مهم کتابت سخن می گوید. و رآقی را از پی آمده های آشنایی مسلمانان با کاغذ می داند و نقش و رآقان را در گسترش فرهنگ کتاب باز می کند. آنگاه به جریان تألیف کتاب می پردازد و از نویسندگان نخستین در جهان اسلام یاد کرده، نقش قرآن در تشویق مسلمانان به نگارش را بازگو می کند و در ادامه به تبیین رونق این شغل در قرن اول اسلام می پردازد.

در فصل سوم از پیدایش کتابخانه ها سخن به میان می آید. این فصل کوتاه به پیشینه تاریخی کتابخانه های مساجد پرداخته و با آوردن مثالهایی، انگیزه مسلمانان در ایجاد کتابخانه را بیان می دارد و جریان وقف قرآن را نطفه پیدایش کتابخانه دانسته و از شخصیتهایی که مصاحفی را به مساجد اهدا کردند و بنیان کتابخانه ها را از این طریق پی افکنند، یاد می کند.

فصل چهارم به تاریخ کتابخانه های مساجد اختصاص دارد. مؤلف این فصل را بر طبق موقعیت جغرافیایی به دور گروه تقسیم کرده است؛ کتابخانه های اسپانیای مسلمان و شمال آفریقا و کتابخانه های خاور نزدیک عربی. در گروه اول از کتابخانه های مساجد اندلس، مراکش، تونس، الجزائر، لیبی و مصر بحث

مطالعه و عرضه کتاب برای مطالعه در شکل امانت نام می برد.

مؤلف در فصل ششم که آخرین فصل کتاب است، از بلاایی که دامنگیر کتابخانه های مساجد شده، بحث می کند. وی نخست از آثار منفی فرهنگی استعمار سخن می آورد و از دور شدن جهان اسلام از زندگی واقعی و پناه جستن به انزوا در عرصه دانش و فرهنگ که بواقع بازتابی از سلطه استعمار بود، یاد کرده و نتیجه آن را منحصر شدن مراکز علمی در مباحث فقهی، اصولی، ادبیات و حدیث می داند. این انحصار به نوبه خود اثر منفی شدیدی در وضع کتابخانه ها داشت، یعنی بسیاری از کتب ارزشمند قربانی تصفیه هایی گشت که زائیده اندیشه مزبور بود و در نتیجه کتب علمی مسلمانان از کتابخانه ها بیرون ریخته شد و گاه طعمه حریق و یا کالای پرمشتری دلالان غربی گشت. غریبان نیز فرصت را غنیمت شمرده و کتابخانه های خویش را از کتب اندیشمندان مسلمان انباشتند و این غیر از آن بخش از کتابهایی بود که در آغاز تجاوز غریبها، یا طعمه حریق گشت یا زیر آوار خرابیهای مساجد مدفون و نابود شد. درگیریهای فرقه ای و مذهبی و نیز حاکمان جاهلی که ابزار دست تعصب می شدند، بلای دیگری بود که مؤلف از آن یاد کرده است. از نوشته آقای مکی چنین برمی آید که در این نوع اخیر از تجاوز به ساحت کتابخانه ها، کتب شیعه بیشتر از آثار دیگر فرق مذهبی دستخوش غارت و تجاوز شد. اینها افزون بر بلائای طبیعی است که مؤلف از آن یاد کرده است. زلزله، سیل، آتش سوزی، موریانه و دهها عامل طبیعی دیگر بلائایی بودند که بر میان کتابخانه های جهان اسلام، وارد آمد.

مترجمان پاورقی مطالب را در پایان کتاب آورده اند که به نظر می رسد شیوه چندان مطلوبی نباشد. افزودن کتابنامه و نیز نمایه به آخر ترجمه کار شایسته ای است. این کتاب با وجود حجم کم قدمی قابل تقدیر در راستای معرفی کتابخانه های مساجد است. امید است با همت نویسندگان و محققان پرتلاش این قدمها، مستدام باشند.

